حضرت خدیجه (س) نشانه ظرفیت زنان در عبور از محدودیت‌های ساختاری است

9 اسفند 1404

حضرت خدیجه(س)، یکی از شخصیت‌های اثرگذار تاریخ اسلام بود. اولین همسر پیامبر(ص)، مادر حضرت زهرا(س)، اولین زنی که مسلمان شد و همراه با حضرت علی(ع) با پیامبر اکرم(ص) بیعت کرد و کسی که همه دارایی و زندگی‌اش را فدای اسلام و پیامبر رحمت(ص) کرد. با این اوصاف منابع کمی درباره‌ی این شخصیت برجسته عالم اسلام وجود دارد.

کتاب‌های متعددی درباره حضرت خدیجه(س) نوشته شده که بیشترشان شامل روایات تاریخی، فضایل و مناقب ایشان، و همچنین تأثیر ایشان در زندگی پیامبر اکرم (ص) و تاریخ اسلام است.

کتاب «به قلبش اشاره کرد» یکی از آن کتاب‌هایی است که در قالب داستان و رمان برای نوجوان، زندگی حضرت خدیجه(س) را به تصویر می‌کشد. داستانی که براساس روایات و مستندات تاریخی نوشته شده و مخاطب را همراه لحظه‌های عاشقانه این بانو با رسول خدا(ص) می‌کند. در جریان این داستان قرار است پرده از راز مهم و بزرگی برداشته شود که ملکه بطحا را به چنین مقام بزرگی رساند. آن‌قدر که جبرئیل به او سلام رساند و خدا نزد ملائکش به او مباهات کرد. با فرا رسیدن دهمین روز ماه مبارک رمضان و همزمانی آن با وفات این بانوی بزرگ اسلام با **حبیبه آقایی‌پور** نویسنده **کتاب «به قلبش اشاره کرد»** به گفتگو پرداختیم.

در پژوهش خود درباره شخصیت حضرت خدیجه(س)، کدام بُعد از زندگی ایشان را مغفول‌مانده‌تر از سایر ابعاد یافته‌اید؟

شخصیت حضرت خدیجه(س) از چهره‌های اثرگذار و چندبعدی تاریخ اسلام است که متأسفانه غالباً تنها از زاویه ثروت و توان اقتصادی ایشان معرفی شده است. این در حالی است که با وجود محدود بودن منابع تاریخی درباره زندگی ایشان، همان داده‌های اندک نیز هنگامی که در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، از عمق و وسعت شخصیتی ویژه‌ای حکایت دارند.

اگر بخواهیم به یکی از ابعاد کمتر دیده‌شده این بانوی بزرگ اشاره کنیم، می‌توان به نگاه «انتظار» در سیره ایشان پرداخت. بسیاری از رفتارها و تصمیم‌های حضرت خدیجه(س) را می‌توان از منظر یک انسان منتظر معنا کرد؛ فردی که در انتظار ظهور پیامبر موعودِ زمان خویش است و آداب و لوازم این انتظار را به‌درستی و به‌تمامی به‌جا می‌آورد.

در دوره‌ای که هنوز حضرت محمد(ص) به رسالت مبعوث نشده بودند و خبر ظهور پیامبر آخرالزمان در میان اهل کتاب و برخی موحدان مطرح بود، حضرت خدیجه(س) با تکیه بر هوش اقتصادی، توان

مدیریتی و اراده شخصی خود، تمام استعدادهای خویش را شکوفا ساختند. این در شرایطی بود که در جامعه آن روز عرب، زن جایگاه اجتماعی تثبیت‌شده و معتبری نداشت و با محدودیت‌های جدی مواجه بود. با این حال، هیچ‌یک از این موانع مانع حرکت و پیشرفت ایشان نشد.

پس از آنکه دریافتند پیامبر اکرم همان موعود مورد انتظار است، خود پیش‌قدم شدند و با انتخابی آگاهانه در کنار ایشان قرار گرفتند. پس از بعثت نیز تمام دارایی و سرمایه خویش را در مسیر حمایت از رسالت پیامبر صرف کردند.

از این منظر، حضرت خدیجه(س) را می‌توان نمونه‌ای از انسان تراز در فرهنگ انتظار دانست؛ شخصیتی که انتظار را نه در حالت انفعال، بلکه در قالب آمادگی، رشد فردی، شکوفایی استعدادها و حمایت عملی از حقیقت معنا کرد. این بُعد از زندگی ایشان، به نظر می‌رسد همچنان نیازمند توجه و بازخوانی جدی‌تری است.

با توجه به جایگاه اقتصادی و اجتماعی حضرت خدیجه(س) در مکه، نقش ایشان را در شکل‌گیری هسته اولیه جامعه اسلامی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

حضرت خدیجه(س) به‌واسطه جایگاه اقتصادی ممتاز، ثروت گسترده و پایگاه اجتماعی برجسته‌ای که در جامعه مکه داشتند، از شخصیت‌های اثرگذار و شناخته‌شده عصر خود به شمار می‌رفتند. القابی همچون بانوی بزرگ قریش و ام‌الایتام، نشان‌دهنده اعتبار اجتماعی و نفوذ قابل توجه ایشان در میان مردم آن زمان است.

با وجود چنین موقعیتی، انتخاب آگاهانه ایشان برای همراهی با حضرت محمد(ص) در سال‌های آغازین بعثت، اهمیتی دوچندان می‌یابد؛ سال‌هایی که مسلمانان تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی، اجتماعی و روانی قرار داشتند. در این مقطع حساس، نقش حضرت خدیجه(س) صرفاً در حمایت مالی خلاصه نمی‌شود، بلکه حضور ایشان را باید در سه سطح عاطفی، اقتصادی و اجتماعی تحلیل کرد.

ایشان با پشتیبانی مالی گسترده، بخشی از مشکلات معیشتی مسلمانان را کاهش دادند؛ با حمایت عاطفی و روحی، پشتوانه‌ای استوار برای پیامبر اکرم بودند؛ و با جایگاه اجتماعی خود، به تثبیت و تقویت موقعیت نوپای جامعه اسلامی کمک کردند.

بر این اساس، می‌توان حضرت خدیجه(س) را از اثرگذارترین چهره‌ها در شکل‌گیری هسته اولیه جامعه اسلامی دانست؛ شخصیتی که نقش او در تثبیت و پیشبرد دعوت اسلامی، نقشی بنیادین و تاریخی بوده است.

برخی منابع تاریخی، حضرت خدیجه(س) را نخستین حامی مالی و عاطفی پیامبر اسلام معرفی کرده‌اند. این حمایت تا چه اندازه در تثبیت دعوت اسلامی تأثیرگذار بود؟

حضرت خدیجه(س) به‌عنوان نخستین حامی مالی و عاطفی حضرت محمد(ص) نقشی بنیادین در سال‌های آغازین دعوت اسلامی ایفا کردند. حمایت‌های ایشان صرفاً جنبه نمادین نداشت، بلکه در عمل تأثیر مستقیم و تعیین‌کننده‌ای بر تداوم و تثبیت جریان نوپای اسلام گذاشت.

در آن دوران، بسیاری از افرادی که اسلام می‌آوردند، از میان بردگان و اقشار فرودست جامعه بودند؛ کسانی که به‌دلیل پذیرش ایمان جدید، تحت شدیدترین فشارها و شکنجه‌ها قرار می‌گرفتند. بخشی از حمایت‌های مالی حضرت خدیجه(س) صرف آزادسازی همین افراد می‌شد و این اقدام، افزون بر بُعد انسانی، در حفظ نیروهای مؤمن و تقویت بدنه اولیه جامعه اسلامی نقش مؤثری داشت.

از این‌رو، می‌توان از عمق اثرگذاری و نقش تاریخی ایشان در سال‌های ابتدایی بعثت چشم‌پوشی کرد. اهمیت حضور حضرت خدیجه(س) تا آنجاست که پس از وفات ایشان، فقدان این پشتوانه عظیم عاطفی و حمایتی چنان سنگین بود که آن سال در تاریخ اسلام به «عام‌الحزن» شهرت یافت؛ عنوانی که نشان‌دهنده جایگاه بی‌بدیل این بانو در حیات فردی و رسالی پیامبر اسلام است.

تصویر حضرت خدیجه(س) به‌عنوان یک زن تاجر و مستقل در جامعه جاهلی، چه بازخوانی تازه‌ای از نقش زنان در تاریخ اسلام ارائه می‌دهد؟

حضور حضرت خدیجه(س) به‌عنوان زنی تاجر، مستقل و اثرگذار در جامعه جاهلی، نشان‌دهنده ظرفیت و توانمندی بالای زنان در عبور از محدودیت‌های ساختاری است. در فضایی که نگاه رایج به زن تحقیرآمیز و مبتنی بر بی‌ارزشی اجتماعی بود، ایشان توانستند جایگاهی متفاوت و ممتاز برای خود رقم بزنند؛ به‌گونه‌ای که به «طاهره قریش» شهرت یافتند و در عین حفظ کرامت و پاکدامنی، به‌عنوان تاجری موفق و مدیری توانمند شناخته شدند.

این موقعیت، تنها یک موفقیت اقتصادی نبود، بلکه نوعی بازتعریف نقش زن در جامعه‌ای مردسالار به شمار می‌رفت. حضرت خدیجه(س) نشان دادند که یک زن می‌تواند هم در عرصه اخلاقی سرآمد باشد و هم در میدان اقتصاد و کارآفرینی پیشتاز؛ حتی در شرایطی که بسیاری از مردان نیز به چنین جایگاهی دست نمی‌یافتند. نگاه ایشان به توانمندی‌های شخصی خود، الگویی الهام‌بخش برای زنان در هر دوره‌ای است؛ الگویی که عبور از موانع و حرکت قدرتمندانه در مسیر رشد را ممکن می‌سازد.

در کنار این بُعد اجتماعی و اقتصادی، انگیزه‌های درونی ایشان نیز قابل تأمل است. با وجود برخورداری از ثروت فراوان، جهت‌گیری زندگی حضرت خدیجه(س) صرفاً دنیوی نبود. بر اساس برخی تحلیل‌ها،

دغدغه «انتظار» و آمادگی برای همراهی با پیامبر موعود، نقشی راهبردی در تصمیم‌ها و مسیر زندگی ایشان داشته است. گویی شکوفایی اقتصادی و اجتماعی، مقدمه‌ای بود برای ایفای نقشی بزرگ‌تر؛ نقشی که در نهایت با حمایت همه‌جانبه از حضرت محمد(ص) و صرف تمام دارایی در مسیر رسالت، به اوج رسید.

از این منظر، حضرت خدیجه(س) را می‌توان نمونه‌ای از پیوند میان توانمندی فردی، مسئولیت اجتماعی و انگیزه‌های متعالی دانست؛ شخصیتی که هم در زمین موفق بود و هم نگاهش به افقی فراتر از زمین دوخته شده بود.

در مواجهه با منابع تاریخی درباره زندگی حضرت خدیجه(س)، با چه چالش‌هایی روبه‌رو بودید؟

درباره زندگی حضرت خدیجه(س) منابع تاریخی گسترده و مستقلی در اختیار نداریم و اطلاعات موجود، بیشتر به‌صورت پراکنده و در لابه‌لای کتاب‌های تاریخ و سیره نقل شده است. این روایت‌ها هرچند اندک‌اند، اما با کنار هم قرار دادن آن‌ها می‌توان تصویری نسبتاً روشن از جایگاه و نقش ایشان به دست آورد.

در سال‌های اخیر، برخی پژوهشگران کوشیده‌اند با گردآوری همین گزارش‌های معتبر و مستند، تصویری منسجم‌تر از زندگی این بانوی بزرگ ارائه دهند و نوعی کتابنامه و مجموعه منابع قابل اعتماد در این حوزه فراهم آورند تا پژوهشگران و علاقه‌مندان بتوانند با اتکا به آن‌ها به مطالعه سیره ایشان بپردازند.

با این حال، باید پذیرفت که گذر زمان، تحولات تاریخی و برخی ملاحظات فرهنگی و اجتماعی باعث شده بخشی از واقعیت‌های زندگی حضرت خدیجه(س) یا ثبت نشود یا به ما نرسد. از این منظر، تاریخ همچنان نسبت به برخی ابعاد زندگی این شخصیت بزرگ بدهکار است؛ ابعادی که شاید هرگز به‌طور کامل آشکار نشوند، اما همین گزارش‌های محدود نیز نشان‌دهنده عظمت و اثرگذاری کم‌نظیر ایشان در شکل‌گیری و تثبیت نخستین سال‌های اسلام است.

هنگام نوشتن درباره شخصیت‌های دینی یا تاریخی، چه میزان به مستندات پایبند هستید و چه میزان به تخیل؟

در نگارش این کتاب، تلاش بر آن بوده که شاکله و خط روایی اصلی کاملاً بر پایه مستندات تاریخی شکل بگیرد؛ یعنی ستون فقرات روایت، متکی بر گزارش‌های معتبر درباره زندگی حضرت خدیجه(س) و همراهی ایشان با حضرت محمد(ص) باشد.

در عین حال، از آنجا که اثر در قالب داستان نوشته شده، حضور عنصر خیال نیز اجتناب‌ناپذیر است؛ اما این خیال‌پردازی نه در تعارض با تاریخ، بلکه در چارچوب بدیهیات انسانی و روابط طبیعی شکل گرفته است. برای مثال، وقتی می‌دانیم میان حضرت خدیجه(س) و پیامبر اکرم علاقه‌ای عمیق و کم‌نظیر وجود داشته، می‌توان حداقلی از جلوه‌های عاطفی یک رابطه عاشقانه را در سطحی متعارف و انسانی در روایت بازآفرینی کرد؛ بی‌آنکه ادعای نقل جزئیات تاریخیِ مستند نشده را داشته باشیم.

همچنین در ترسیم روابطی مانند پیوند مادر و فرزند، خیال در محدوده اقتضائات طبیعی چنین رابطه‌ای حرکت می‌کند؛ دل‌نگرانی، محبت، مراقبت و ملاحظاتی که در هر رابطه‌ای از این دست قابل انتظار است.

به بیان دیگر، خیال در این کتاب در خدمت تاریخ است، نه جایگزین آن. خط اصلی روایت بر مدار مستندات پیش می‌رود و هرجا عنصر تخیل وارد می‌شود، در حاشیه‌ای امن و منطقی و در چارچوب بدیهیات انسانی حضور دارد؛ تا هم امانت تاریخی حفظ شود و هم روایت، جان و طراوت داستانی پیدا کند.

مهم‌ترین دشواری در نوشتن داستان مذهبی چیست؟

مهم‌ترین دشواری در نگارش داستان‌های مذهبی، مسئله دسترسی و اتکا به منابع معتبر و مستند است. نویسنده در این حوزه ناگزیر است بر پایه گزارش‌های موثق تاریخی حرکت کند و از هرگونه استناد

غیرقابل اعتماد پرهیز داشته باشد؛ امری که خود فرآیند تحقیق و نگارش را پیچیده و زمان‌بر می‌کند.

از سوی دیگر، پرداخت هنری به موضوعات مذهبی می‌تواند زمینه‌ساز برداشت‌ها، تعبیرها و تفسیرهای متفاوت و گاه متضاد شود. این مسئله به‌ویژه در روایت زندگی شخصیت‌های مقدس، از جمله ائمه اطهار، حساسیت بیشتری پیدا می‌کند. چنین حساسیتی نیز قابل درک و منطقی است، زیرا هرگونه دخل و تصرف غیرمستند یا برداشت نادقیق می‌تواند با واکنش‌های جدی مواجه شود.

درباره عنوان کتاب هم توضیح دهید که بر چه اساسی انتخاب شده است؟

عنوان کتاب، برگرفته از یکی از فصل‌های اثر و ناظر به جمله‌ای منقول از حضرت محمد(س) است. با توجه به اینکه فضای کلی کتاب حال‌وهوایی عاطفی و عاشقانه دارد، این عبارت به‌عنوان نام اثر برگزیده شده تا هم با محتوای درونی کتاب همخوانی داشته باشد و هم بار معنایی و احساسی آن را به‌خوبی بازتاب دهد.

گفتگو: مهر، زهرا اسکندری